

رابطه کارآمدی دولت و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران

محمدجعفر جوادی ارجمند^۱، نوذر خلیل طهماسبی^{۲*}، فؤاد فاضلی^۳

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران

۳. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد علوم تحقیقات تهران، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۲۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۶/۱۴)

چکیده

بررسی مفهوم امنیت ملی در هر کشور، چپستی آن، عوامل و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده و قوام‌بخش آن و عوامل تهدیدکننده آن، مستلزم ارائه تعریفی منطقی، منسجم و دارای نظام‌مندی درونی است که بتوان در سایه آن، هنگام کاربست عملی آن بر کشور، به تحلیلی درست از وضعیت آن کشور رسید. از این رو، هنگامی که در صدد پژوهش در زمینه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران هستیم، لازم است ضمن توجه به ماهیت یکتایی و منحصربه‌فردی آن، از منظری علمی نیز بدان نگریسته شود. این مقاله، ضمن نقد نظریات مرسوم و سنتی تحلیل امنیت ملی در ایران، در صدد ارائه چارچوبی نظری مبتنی بر رابطه دوگانه و تعاملات دولت-جامعه و جامعه-دولت بر پایه کارآمدی یا ناکارآمدی دولت است. مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که مهم‌ترین عامل تهدیدکننده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ «ایده محوری مقاله این است که ناکارآمدی دولت، مهم‌ترین عامل تهدیدکننده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است.» در این راستا، با استفاده از روش «تحلیل اسنادی» تلاش می‌شود با مطالعه، برداشت و استنتاج از متون، رابطه کارآمدی دولت و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران بررسی شود. شیوه گردآوری مطالب و داده‌ها نیز کتابخانه‌ای (اسنادی) است.

کلید واژگان: امنیت ملی، ایران، دولت، جامعه، کارآمدی.

مقدمه و طرح مسئله

اهمیت داشتن درکی نظام‌مند از مؤلفه‌های تأمین یا تهدید امنیت ملی، هم توسعه موضوعی و هم عمق معنایی یافته است. به عبارت دیگر، هم حوزه‌های دیگر، هم جامعه مانند اقتصاد و فرهنگ، محیط زیست، توسعه انسانی و... دارای ماهیتی امنیتی شده‌اند که اهمال در ارزیابی امنیتی آن‌ها سبب افول قدرت ملی و آسیب‌پذیری می‌شود و هم خود مقوله امنیت، دیگر تنها موضوعات مرتبط با سیاست‌گذاری «سخت» را در بر ندارد و چه‌بسا مهم‌تر از آن، مؤلفه‌های «نرم» امنیتی مانند رضایت یا نارضایتی ملی، توان یا ناتوانی سیاست‌گذاری، انسجام و پراکندگی ملی را نیز در بر می‌گیرد.

توجه به مفهوم کارآمدی و مؤلفه‌های آن و در نظر گرفتن دستاوردهای انقلاب اسلامی در زمینه‌های مختلف، مبین کارآمدی و موفقیت نسبی جمهوری اسلامی ایران است که با اتکا به خداوند و حمایت گسترده مردم، توانسته است شرایط و مراحل گوناگون جایگزینی، استقرار، تثبیت اولیه، گذار و ثبات را به خوبی پشت سر بگذارد که میان انقلاب‌های جهان بی‌نظیر بوده است. در عین حال، چالش‌های داخلی و خارجی انقلاب اسلامی نیز همواره آرمان‌های انقلاب را با مشکل روبه‌رو ساخته و برخی کاستی‌های راهبردی یا ضعف‌های مدیریتی سبب ایجاد ناهماهنگی‌هایی در تنظیم اهداف، نارسایی در تخصیص امکانات و نارضایتی در میان گروه‌هایی از جامعه شده است. این امر مبین درصدی از ناکارآمدی دولت است و می‌تواند بر تهدید و تضعیف امنیت ملی تأثیر داشته باشد (مرندی، ۱۳۸۳: ۱۴).

امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، از سویی تحت تأثیر روندهای جهانی شدن و از سوی دیگر تحت تأثیر ماهیت رفتار خاص و منحصر به فرد خود است. روندهای عام جهانی تأثیرگذار بر روند امنیتی شدن عبارت‌اند از:

۱. مسئله به هم‌وابستگی جهانی که در چارچوب جهانی شدن ضمن تغییر مفهومی امنیت و فراگیر کردن آن به عنوان عملی خارجی، محیط داخلی دولت‌ها را متأثر می‌گرداند؛ ۲. گسترش موج فراگیر دموکراتیزاسیون^۱ در عرصه جهانی که به دلیل تغییر در برداشتها و هویت جامعه درونی منافع و کنش‌های منتج از آن نیز تغییر کرده است. این تغییر را می‌توان در تغییر در انتظارات از دولت مشاهده کرد (Bartelson, 2003: 3).

علاوه بر موارد بیان شده، نظام جمهوری اسلامی ایران به دلیل ماهیت رفتاری خود، در معرض برخی روندهای تهاجمی ساختاری نیز قرار دارد که سبب می‌شود به عنوان عامل فزاینده روند امنیتی شدن بسیاری از حوزه‌ها، سرعتی بیشتر از روند طبیعی خود داشته باشد. از این رو، دستیابی به اهداف تعیین شده و تقویت کارآمدی و به دنبال آن تحکیم امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی ایران،

۱. Democratization

نیازمند نقد واقع‌بینانه وضع موجود، علت‌یابی مشکلات و بررسی دلایل تحقق نیافتن برخی از اهداف و آرمان‌های انقلاب با ارائه پیشنهاد‌های سازنده است. بنابراین، مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که مهم‌ترین عامل تهدیدکننده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

ایده محوری مقاله این است که ناکارآمدی دولت، مهم‌ترین عامل تهدیدکننده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. در زمینه سوابق پژوهش نیز ذکر این مسئله لازم است که درباره مسئله امنیت ملی (به‌ویژه تأکید بر بعد سخت‌افزاری آن)، تحقیقات بسیاری صورت گرفته است. از سوی دیگر، بعد از انقلاب، شاهد شکل‌گیری پژوهش‌های زیادی در مورد کارآمدی دولت و بیان شاخصه‌هایی طبق اندیشه‌های امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و چشم‌انداز نظام جمهوری اسلامی بوده‌ایم. اما نوآوری مقاله حاضر این است که به دنبال بررسی تأثیراتی است که این شاخصه‌ها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارند و مهم‌تر اینکه در پژوهش حاضر، بر بعد نرم‌افزاری امنیت پیش از بعد سخت‌افزاری آن تأکید شده و ضمن بررسی تهدیدهای داخلی مربوط به امنیت ملی، به دنبال بررسی مهم‌ترین شاخصه‌های کارآمدی است که ضعف یا بی‌توجهی به این شاخصه‌ها، سبب تضعیف یا حتی تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

الف) تعریف مفاهیم

۱. کارآمدی^۱ و ناکارآمدی^۲ دولت: اصطلاح کارآمدی بیشتر در سه قلمرو اقتصاد، سیاست و مدیریت کاربرد دارد. در فرهنگ علوم سیاسی، کارآمدی دولت به اثربخشی، نفوذ، حاکمیت، مقبولیت و رضایت ارتباط دارد. کارآمدی عبارت است از قابلیت و توانایی دستیابی به اهداف تعیین شده و مشخص و برعکس، ناتوانی در دستیابی به این اهداف و آرمان‌ها، ناکارآمدی دولت را به همراه دارد (آقایخی، ۱۳۷۹: ۴۴۶). کارآمد بودن دولت می‌تواند بر تقویت مشروعیت دولت و ایجاد رضایت در مردم و به دنبال آن، تحکیم امنیت ملی تأثیرگذار باشد. مشروعیت دارای جنبه‌های متعددی است؛ مانند توجیه عقلانی سلطه، توجیه عقلانی اعمال قدرت حاکم و قانونی بودن فرمان (شاکرین، ۱۳۸۲: ۸۰).

در عصر حاضر، شناخته‌شده‌ترین تعریف رایج مشروعیت، تعریفی است که ماکس وبر بیان کرده است: «مشروعیت، مظهر پذیرش ذهنی - درونی قدرت حاکم نزد افراد جامعه است» (وبر، ۱۳۷۴: ۲۲). از نظر محمدجواد لاریجانی: «مشروعیت یک حکومت، اهداف و غایاتی است که آن حکومت دنبال می‌کند. حکومتی مشروع است که اهداف و ارزش‌های اخلاقی را دنبال کند؛ مثل سعادت، عدالت، و در یک جمله، کمال انسانی» (لاریجانی، ۱۳۷۲: ۲۱۰). بنابراین، میان کارآمدی و مشروعیت دولت ارتباط

۱. Efficient

۲. Inefficient

وجود دارد و کارآمدبودن دولت سبب افزایش مشروعیت آن می‌شود. به عبارتی بهتر، مشروعیت دولت با رضایت مردم ارتباط مستقیم دارد و رضایت در نتیجه قبول این باور است که دولت در انجام عملکردهایش موفق و دولتی کارآمد است (عالم، ۱۳۹۰: ۹۸). مقبولیت به معنای پذیرش، قبول و انتخاب حاکمان از طرف مردم برای اعمال حاکمیت و اجرای دستورهای هر نظام سیاسی است.

در فرهنگ سیاسی غرب، بین مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی تفاوتی وجود ندارد؛ چون بر آن اساس، مشروعیت هر حکومتی از مقبولیت آن سرچشمه می‌گیرد. اما در ادبیات انقلاب اسلامی این واژه‌ها تفاوت دارند. مقبولیت امری کمی است، ولی مشروعیت بیشتر امری کیفی است. به عبارتی، مقبولیت حکومت به آن است که بتواند مسائل و مشکلات روزمره مردم را حل و فصل کند و خواسته‌ها و نیازهای آنان را برآورده سازد؛ اما مشروعیت حکومت با پذیرش ساختار پیشنهادی به دست می‌آید. رابطه مقبولیت با مشروعیت را در فرهنگ سیاسی اسلام می‌توان به این شکل بیان کرد:

الف) مشروعیت به مثابه مقبولیت: این نوع از مشروعیت در زمان پیامبر اکرم (ص) محقق شد؛ چون او برگزیده خدا و مشروع بود و مقبولیت یافت.

ب) مقبولیت بخشی از مشروعیت: مکتب خلافت معتقد است بعد قانونیت (مرتبه جعل و اعتبار) پس از پیامبر اکرم (ص) به امت واگذار شده است. بنابراین، مقبولیت حکومت بین مردم مسلمان، بخشی از مشروعیت آن است؛ یعنی شارع به مردم مسلمان اجازه داده است تا بر اساس ضوابط شرعی، حاکم اسلامی را انتخاب و قبول کنند.

پ) مقبولیت، شرط تحقق مشروعیت: در این دیدگاه، حاکم اسلامی منصوب الهی است و منشأ مشروعیت حکومت، شارع است؛ ولی مردم نقش اصلی را در عینیت بخشیدن حکومت دارند؛ یعنی مقبولیت عمومی، در اصل مشروعیت امام معصوم (ع) بی‌تأثیر است، اما شرط تحقق خارجی آن است (لاریجانی، ۱۳۷۲: ۲۲۱).

حال این پرسش مطرح است که آیا اندیشه انقلاب اسلامی و به‌ویژه اندیشه امام خمینی (ره)، موافق یکی و مبطل دیگری است یا ترکیبی از آن دو؟ در آثار و کلمات امام خمینی (ره)، اشاره به هر دو دیدگاه دیده می‌شود. در کتاب البیع می‌فرماید: «امام صادق (ع) شخص فقیه را هم در امور قضایی و هم در امور مربوط به حکومت و رهبری جامعه حاکم قرار داده است و تا ظهور حضرت ولی عصر (عج) در مقام خود باقی خواهند بود» (امام خمینی، ۱۳۶۵: ۲۴۳). در صحیفه نور نیز می‌فرماید: «همه مردم باید دولت اسلامی را تقویت کنند تا بتواند اقامه عدل بکند (صحیفه نور، ج ۱۴: ۳۶۹). همچنین در کتاب ولایت فقیه می‌نویسند: «فقها از طرف امام (ع) حجت بر مردم هستند. همه امور و تمامی کارهای مسلمانان به آنان واگذار شده است» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶۹).

چنین عباراتی نشان می‌دهد که حضرت امام (ره) به نصب قائل است و مقبولیت رهبری سیاسی را به‌عنوان مبنای مشروعیت ولی فقیه نمی‌پذیرد. در مقابل، ایشان در عباراتی برای خواست مردم احترام خاصی قائل شده‌اند و خود و دیگران را موظف به عمل به آمال ملت می‌دانند؛ چون به نظر ایشان،

سرنوشت هر ملتی به خودشان واگذار شده است. در مجموع، می توان نتیجه گرفت امام خمینی (ره) با توجه به مبانی فقهی و سیاسی خود، به نظریهٔ نصب و مشروعیت الهی معتقد بود و بر آن نظر تا آخر وفادار ماند؛ اما در عمل از اختیارات و لوازم آن نظر کمتر بهره گرفت و به گونه‌ای رفتار کرد و به حدی به نقش اساسی مردم و رأی آن‌ها در واگذاری قدرت به فقیه، اجزای ناشی از آن و استمرار این نقش تأکید و اهتمام وزرید که مقبولیت و رأی مردم را در حد ابتدای مشروعیت فقیه بر مقبولیت عامه ارتقا بخشید.

در این مقاله، مقوله کارآمدی و ناکارآمدی دولت را در ارتباط با توانایی و ظرفیت دولت‌ها از لحاظ انجام وظایف عمومی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بررسی می‌کنیم؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، در صورتی که دولت در اجرای وظایف خود موفق باشد و دولتی کارآمد قلمداد گردد، بر گسترش مشروعیت دولت و تحکیم امنیت آن تأثیر مثبت خواهد داشت.

۲. امنیت ملی و اهمیت مؤلفه کارآمدی: تعاریف متعددی از امنیت ارائه شده است: پنه لوپه

هارتلند^۱ معتقد است که امنیت ملی یعنی توانایی هر ملت برای تحقق موفقیت‌آمیز منافع ملی خود در هر جای دنیا و به نحوی که می‌بینند. مایکل لوه^۲ امنیت ملی را شامل سیاست دفاع ملی و اقدامات غیرنظامی دولت برای تضمین ظرفیت کامل بقای خود به منظور اعمال نفوذ و حصول اهداف داخلی و بین‌المللی می‌داند. جیاکومو لوچیان^۳ امنیت ملی را توانایی رویارویی در مقابل تجاوز از خارج تعریف می‌کند (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۰).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این تعاریف همگی مبنایی نظامی محور دارند و مهم‌ترین بعد امنیت را تهدید نظامی دولت‌های دیگر قلمداد می‌کنند. براون لستر^۴ در سال ۱۹۷۷، در مقاله‌ای تحت عنوان بازتعریف مفهوم امنیت ملی بر آن است که از زمان جنگ جهانی دوم به بعد، مؤلفه تهدید نظامی مهم‌ترین بعد تعریف امنیت ملی است؛ اما موضوعاتی همچون اقتصاد، جامعه، امنیت غذایی و آب‌وهوا در برخی کشورها جایگاه امنیتی برتری از مسائل نظامی پیدا کرده است (Lester, 1997: 9). رابرت ماندل نیز ضمن تصریح ضرورت گسترش مفهومی امنیت، مصادیقی از تهدیدها مانند خشونت داخلی، تهدیدهای فراملی و فروملی، شیوع بیماری‌های ایدز، رکود اقتصادی، فقر و تحولات ارزش‌ها را برشمرده است. بنابراین، ملاحظیات وی چهار بعد عمده امنیت را به صورت نظامی، اقتصادی، منابع محیطی و فرهنگی - ارزشی از یکدیگر بازشناسی نمود (ماندل، ۱۳۷۷: ۸۳).

1. P. L. Hartland
2. M. Leveh
3. J. Lochiani
4. R. Brown Lester

هنگامی که امنیت ملی را بر اساس ارزش‌ها و مبانی فرهنگی تعریف می‌کنیم، باید تعریفی از این مقوله ارائه دهیم که سهم ارزش‌ها، اندیشه‌ها و فرهنگ در آن به‌صورت دقیق مشخص شده باشد. برای مثال، دانشکده دفاع ملی کانادا امنیت ملی را این‌گونه تعریف می‌کند: «امنیت ملی، حفاظت از شیوه‌های پذیرفته‌شده زندگی مردم است که با نیازها و آرمان‌های مشروع دیگران نیز سازگار باشد. امنیت، شامل فارغ‌بودن از حمله نظامی یا فشار، آزادی از انهدام داخلی و رهایی از زوال ارزش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که برای نحوه زندگی اساسی است» (ریبی، ۱۳۸۳: ۹۲).

به عبارتی دیگر، در این تعریف، امنیت ملی نوعی برقراری و حفظ روش زندگی قابل قبول برای همه مردم مطابق با آرزوهای آن‌ها تعریف شده است. این پژوهش نشان‌دهنده گذر از موضوعات سنتی به موضوعات مدرن و اهمیت بحث کارآمدبودن دولت است. در زمینه امنیت ملی و کارآمدی دولت در جمهوری اسلامی ایران نیز تأکید اصلی ما بر ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی امنیت ملی است و برخلاف تحقیقات سنتی صرفاً بر مسائل نظامی تأکید نمی‌شود.

به‌طور کلی، درباره مؤلفه‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران می‌توان این مؤلفه‌ها را در زمینه‌های مختلف اقتصادی (رشد اقتصادی، امنیت شغلی، بهداشت عمومی، عدالت اجتماعی و...)، سیاسی (ثبات سیاسی، توان ملی، امکان مشارکت همگانی و...)، فرهنگی-ارزشی (ارتباطات اجتماعی قوی، ایجاد انگیزه در افراد، احترام و اعتماد متقابل، همبستگی هویتی، امنیت فرهنگی، پیشرفت دینی، روحیه صبر و مقاومت)، نظامی (محیط مؤثر و امن، امنیت جان و مال و ناموس، حفظ مرزها، کمیت و کیفیت تجهیزات و قوای نظامی)، ژئوپلیتیکی (جمعیت، مرزهای مهم، موقعیت خاص، آب‌های آزاد و مسئله نفت) و به‌ویژه دولتی کارآمد (کارآمدی در عرصه‌های مختلف) بررسی کرد. هنگامی که به مؤلفه‌های بیان‌شده در حوزه‌های مختلف توجه و آن‌ها را با مؤلفه کارآمدبودن دولت مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که کارآمدی دولت می‌تواند بر همه این ابعاد اثرگذار باشد. به عبارت دیگر، در صورتی که دولتی کارآمد باشد، می‌تواند اثر آن را در تحکیم امنیت در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه مشاهده نمود. به‌عنوان مثال، در بعد مؤلفه‌های بیان‌شده در زمینه اقتصادی، در صورتی می‌توان به امنیت غذایی، رفاه، اشتغال و... دست یافت که دولت بتواند با سیاست‌گذاری و نظارت دقیق در جهت تحقق امنیت اقتصادی گام بردارد.

در بعد سیاسی، زمانی رسیدن به ثبات، وحدت و انسجام داخلی و فراهم‌کردن زمینه‌های مشارکت همگانی در عرصه‌های مختلف اجتماعی میسر است که دولتی کارآمد و دارای انسجام، شرایط لازم برای نیل به این امور را فراهم سازد. در بعد جغرافیایی، استفاده درست از موقعیت ژئوپلیتیک، برنامه‌ریزی دقیق در زمینه منابع طبیعی، اتخاذ سیاست‌های مناسب در مورد مرزهای ملی، نیاز به برنامه‌ریزی راهبردی و کارگزاران کارآمد را ایجاد می‌کند. در سایر زمینه‌ها نیز می‌توان تأثیرات مثبت یا منفی بودن کارآمدی دولت بر تحقق یا تحقق‌نیافتن سایر مؤلفه‌های امنیت ملی را مشاهده نمود.

در نگاهی کلی، مشروعیت و منافع ملی مؤلفه‌ها و عناصر مهم متشکله امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران هستند. در تبیین منافع ملی، به‌طور اختصار می‌توان از معیارهایی نام برد؛ مانند اینکه این منافع جزء منافع بلندمدت هستند و عموماً در ایدئولوژی یا تاریخ ملی ریشه دارند و بیش از آنکه نشان‌دهنده توانایی‌ها و قابلیت‌های سیاسی باشند، بیانگر تمایلات و آرزوهای سیاسی‌اند (تاجیک، ۱۳۸۰: ۵۳). از این منافع به‌عنوان منافع حیاتی نیز یاد می‌شود. دفاع از این منافع ملی شامل گستره وسیعی از منافع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی می‌شود و نیازمند وجود دولتی کارآمد و مقتدر است (قوم، ۱۳۷۰: ۱۱۴). مشروعیت نیز دارای اهمیت بسیار حیاتی و از عوامل موجد امنیت ملی است. مشروعیت که به معنای توجیه اعمال قدرت حاکم است، تحت تأثیر دولتی کارآمد است (لاریجانی، ۱۳۷۲: ۹). به عبارت دیگر، ممکن است دولتی از نظر مردم مشروع نباشد، اما کارآمد باشد. با این حال، به‌طور مسلم کارآمدبودن دولت می‌تواند تا حدود زیادی بر مشروع بودن دولت و به دنبال آن، بر امنیت ملی اثر بگذارد. در زمینه اهمیت مسئله کارآمدی نسبت به سایر مؤلفه‌های امنیت ملی باید گفت با وجود تفاوت روش کشورها برای دستیابی به اهدافی که برای خود تعیین کردند، همه آن‌ها در یک چیز با هم اشتراک دارند و آن هم کارآمدبودن است؛ یعنی هر هدفی که مدنظر باشد، هرچند متفاوت، حکومت کارآمد، حکومتی است که به این اهداف برسد (صدرا، ۱۳۸۸: ۱۲۳). بدین ترتیب می‌توان این گونه برداشت کرد که در صورتی تحقق و دست‌یافتن به سایر مؤلفه‌های بیان شده در مقوله امنیت ملی امکان‌پذیر است که وجود دولتی کارآمد، با برنامه و دارای ساختار منسجم داخلی در جهت نیل به این مؤلفه‌ها و اهداف گام بردارد.

ب) چارچوب نظری

دیدگاه‌های جدید در تعریف امنیت ملی با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. به سخن دیگر، به‌زعم نگرش‌های سنتی، نگرش‌های جدید متأثر از جهانی‌شدن مانند برخی تحلیلگران ایرانی مقوله امنیت‌پژوهی به تغییر تعریف امنیت ملی توجه می‌کنند؛ اما مکانیسم این نگرش و علل این تغییر مفهومی را بیان نمی‌کنند (ریبی، ۱۳۸۳: ۸۶). این نظریه‌ها می‌پذیرند که دولت دیگر در شرایط کنونی به‌عنوان کنشگر کاملاً مستقل و منفک از جامعه نیست که بقا و تداوم خود را امنیت ملی جلوه می‌دهد و باید به نظرهای محیط سیستم خود (جامعه) نیز توجه کند؛ اما همچنان به فرایند تاریخی این تغییر نقش دولت و به تبع آن، تعریف امنیت ملی بی‌توجهی می‌شود (John, 1989: 92). بنابراین، علاوه بر اینکه «مرجع تعریف امنیت» و «موضوع امنیت» مهم است، چگونگی این تغییرات مفهومی امنیت و امنیت ملی نیز حائز اهمیت خواهد بود (John, 1989: 93). این امر سبب گسترش شیوه تحلیل جامعه‌شناسی تاریخی برای فهم این فرایند تغییر شده است که بدین طریق به تحلیل

تاریخی دولت برای مفصل‌بندی^۱ بهتر ارتباط دولت با زندگی سیاسی امنیت، شهروندان خود در جامعه داخلی و پیچیدگی‌های مفهوم شهروندی معاصر در قالب تعامل دولت-جامعه می‌پردازد. بنابراین، امنیت ملی هر دولت، شرایطی است که از سویی رابطه تعامل دولت-جامعه درون دولتی و درون جامعه‌ای را در نظر می‌گیرد که بر اساس آن هم حوزه نفوذ و تأثیرگذاری و کنترل سرزمینی، قانونی و اداری (بوروکراتیک) دولت در جامعه مدنی گسترش می‌یابد و هم جامعه مدنی به دلیل فرایند سیاسی شدن و موج دموکراتیزاسیون و نهادینه شدن آن، در ضمن حمایت از دولت، خواستار پاسخ‌گویی دولت نیز هست. از سوی دیگر، امنیت ملی می‌بایست ناظر بر تعامل هماهنگ بخش‌های مختلف دولت در راستای تعریف و اجرای منافع ملی و کارآمدی و تعامل بخش‌های مختلف جامعه بر اساس رقابت-هم‌گرایی و نه تعارض-واگرایی باشد. در دولت‌های انقلابی که مشروعیت دولتی عمدتاً از ایدئولوژی انقلابی برآمده است، در گذر زمان مسئله پاسخ به تقاضاهای عمومی به بحثی جدی‌تر بدل می‌شود. توانایی دولت‌های انقلابی مانند جمهوری اسلامی ایران در پاسخی کارآمد به این تقاضاها باعث تقویت مشروعیت دولتی و تقویت اعتبار ایدئولوژی خواهد شد؛ حال آنکه ناکارآمدی، دولت‌های انقلابی را در معرض این خطر قرار خواهد داد که با زوال مشروعیت برآمده از ایدئولوژی، بی‌اعتباری تدریجی ایدئولوژی و مدعیان آن روبه‌رو شوند.

بدین منظور، می‌توان از رویکرد «جامعه‌شناسی تاریخی نویری» که به نظر می‌رسد توانایی تطبیق با تحلیل شرایط ایران را دارد، به‌منظور تحلیل چگونگی شکل‌گیری دولت-جامعه استفاده کرد. تمایز اصلی رویکردهای تاریخی نگر مقوله امنیت با نظریه‌های مسلط قبلی ایستایی آن‌ها از منافع و هویت‌ها است که آن را به‌عنوان امر لایتغیر بیرون از رابطه تعریف می‌کنند. از دید معتقدان به رویکرد «جامعه‌شناسی تاریخی نویری»، مقوله امنیت ملی از رابطه دوسویه سطحی متأثر است که در یک سطح دولت‌ها متأثر از محیط داخلی برای تعریف امنیت هستند که بر آن تأثیر هم می‌گذارند و در سطحی دیگر، خود دولت‌ها محیط داخلی نظامی بین‌المللی‌اند که با آن در تأثیر به سر می‌برد (Deudeny, 87-123). نتیجه عمل این نگرش این است که دولت‌ها بدون ارجاع به جوامع داخلی خود در عصر جهانی شدن و گسترش دموکراتیزاسیون نمی‌توانند تعریف خودمحوارانه و ثابتی از امنیت ملی داشته باشند و به‌تبع تغییر در ذهنیت و کنش‌های محیط داخلی، تعریف امنیت ملی نیز تغییر می‌یابد.

یکی از ویژگی‌های مهم این رویکرد، توجه به تأثیرات متقابل دولت و جامعه بر هم است که بر مستقل بودن مطلق آن‌ها از یکدیگر تأکید ندارد و به‌ویژه دولت را تافته جدا بافته از جامعه قلمداد نمی‌کند. اهمیت اساسی رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی این است که علاوه بر کمک به آشکارسازی روابط دولت-جامعه، تلاش می‌کند به دولت به‌عنوان نهادی بنگرد که تغییرپذیر و پویا است و ابزار

فهمی برای درک امکان‌پذیری تغییر در چارچوب نهادی خود دولت فراهم کند. در واقع، ایده اصلی برخاسته از این رویکرد، استقلال نسبی دولت است (Hay, 1996:56). بنابراین، این رویکرد به دلیل تأکیدی که بر استقلال نسبی دولت دارد، تا حدی شبیه دیدگاه سنت‌گرایان است؛ اما به دلیل پذیرش تغییرپذیری دولت و به تبع آن، مفهوم امنیت ملی با آن در تعارض قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، بر اساس رویکرد «جامعه‌شناسی تاریخی نوبری»، از سویی شاهدیم که دولت و جامعه در رابطه‌ای دیالکتیک^۱ قرار دارند که دولت به‌رغم داشتن استقلال نسبی، مطلق‌العنان نیست و از جامعه متأثر است و جامعه نیز هرچند بر تغییر اولویت‌ها و بافت دولت مؤثر است؛ اما دولت کاملاً دست‌پرورده و مخلوق جامعه نیست.

بنابراین، در مقاله حاضر می‌توان از رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی در بررسی رابطه کارآمدی دولت و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران و دو مبحث شاخص‌های تهدید «دولت-جامعه» امنیت ملی و شاخص‌های تهدید «جامعه-دولت» امنیت ملی استفاده کنیم. در زمینه اهمیت کارآمد بودن دولت و لزوم توجه دولت به خواسته‌های جامعه در اندیشه ائمه اطهار(ع) نیز شاهد این هستیم که یکی از اصول مهم اندیشه حضرت علی(ع)، لزوم استقرار حکومت کارآمد برای انتظام امور مردم و سامان‌یافتن نظام اجتماعی بوده است؛ زیرا برقراری امنیت داخلی، توازن اجتماعی و نظم، وصول بودجه عمومی، جلوگیری از هرج‌ومرج، دفع فساد و اجرای احکام اسلامی از اموری است که جز با تشکیل حکومت کارآمد میسر نمی‌شد.

در نگاه کلی به مباحث نهج‌البلاغه می‌توان گفت حکومت موردنظر حضرت علی(ع)، به دنبال تحقق سه شاخصه مهم «دین‌داری»، «عدالت» و «مردم‌داری» بوده است. تحقق عینی و عملی این شاخصه‌ها در جامعه، مشروط به وجود زمامداران صالح و شایسته و حکومت کارآمد و برنامه‌دار بود. به‌طور کلی اهداف امام، برپاداشتن عدالت، راست‌گردانیدن حق، دفاع از دین و اصلاح امور شهرهای اسلام و امنیت مردم محروم بود (نهج‌البلاغه، خطبه‌های ۲۹-۲۷). اهمیت رضایت مردم در اندیشه امام علی(ع) به‌گونه‌ای بوده است که هنگام گسیل استاندار مصر، مالک اشتر، به آن دیار فرمان می‌دهد با مردم با کمال ملاحظت و مهربانی و منصفانه رفتار کند: «انصف الناس» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۳۹۷). قلب خویش را پر کن از محبت و رأفت مردم. «و اشعر قلبک الرحمة للرعية و المحبة لهم». با مردم به‌گونه حیوان درنده برخورد مکن که دریدن آنان را مغتنم می‌داند؛ زیرا مردم به دو گروه‌اند: یا برادر دینی تو هستند یا همانند تو انسان هستند: «فانهم صنفان اما آخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق» (همان: ۴۲۷). مردم در باورهای دینی با تو همگام نیستند و دگراندیش‌اند؛ لیکن برخورد تو با آن‌ها باید انسانی باشد. این محور پیام امام همام، خطاب به والی مصر و نماینده دولت است. امیرالمؤمنین(ع) مردم را محور حکومت می‌داند و حکومت را در راستای تحقق ارزش‌های الهی و تأمین خواسته‌های مردم شکل

می‌دهد. ایشان هیچ‌گاه حکومت را بر مردم تحمیل نمی‌کرد. امام که دیدگاهش حق است، حکومت‌داری خویش را از جانب خدا بر مردم مشروع و روا می‌دانست؛ لیکن در استقرار این ارزش هیچ‌گاه تحمیل را بر مردم روا نمی‌دانست و در پذیرش حکومت، رضایت مردم را زمینه‌ساز اساسی باور داشت. بدین سبب، بر مشارکت و بیعت مردم با حکومت اهتمام می‌ورزید که حکومت ولو حق‌مدار باشد، اگر مردم خواهان آن نباشند، مستقر و پایدار نخواهد شد. بدین دلیل، بر رضایت و مشارکت مردم پافشاری دارد و می‌فرمود بیعت مردم باید از صمیم دل و رضایت خاطر باشد: «و لا تكون الا عن رضا المسلمین» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷) و من ایده‌ام، همان خواسته‌های مردم است: «الا و انه لیس لی امر دونکم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷).

پ) کارآمدی دولت و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران

با توجه به اهمیت مسئله امنیت ملی در هر کشوری و به‌خصوص با توجه به تأثیری که وجود یا نبود امنیت ملی بر زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن کشور دارد، می‌توان از برخی شاخصه‌های مهم تهدید امنیت ملی در کشورهای مختلف به‌ویژه در کشور خودمان یاد کنیم که در صورت بی‌توجهی به امکان بروز آن‌ها و سهل‌انگاری در توجه به پیامدهای آن‌ها، آثار جبران‌ناپذیری بر رشد و توسعه اقتصادی کشور، تضعیف یکپارچگی و انسجام ملی و به‌ویژه مخدوش‌ساختن مشروعیت داشته باشد. بنابراین، مقاله حاضر ضمن برشمردن شاخصه‌هایی که امکان دارد مشکلاتی را برای امنیت ملی کشور ایجاد کند، بر لزوم توجه هرچه بیشتر به این مؤلفه‌ها تأکید دارد. در حقیقت، این شاخص‌های تهدید امنیت ملی در کشورهای مختلف بروز کرده و آثاری به دنبال داشته است و در آینده نیز امکان بروز این تهدیدها برای امنیت ملی کشورهای مختلف وجود دارد. با توجه به اینکه کشور ما نیز از این قاعده مستثنا نیست و لزوم توجه به چنین مسائلی برای کشور ما نیز موردنیاز و توجه جدی است، می‌توان از تهدیدهایی یاد کرد که همواره امکان بروز آن‌ها در زمینه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران وجود داشته است و لزوم توجه هرچه بیشتر به این آن‌ها را گوشزد می‌کند. این تهدیدها را می‌توان در دو بعد «شاخص‌های تهدید دولت-جامعه امنیت ملی» و «شاخص‌های تهدید جامعه-دولت امنیت ملی» بررسی کرد.

۱. شاخص‌های تهدید دولت - جامعه امنیت ملی: رابطه دولت-جامعه کنونی به دلیل گسترش

دموکراسی و مفهوم شهروندی که بر اثر امواج جهانی‌شدن تعمیق می‌یابد، هم بر پایه حمایت و هم بر پایه انتظار و حتی انتقاد از دولت شکل می‌گیرد. در عین حال، نفوذ دولت بر جامعه مدنی گسترش یافته و از آن استقلال نسبی دارد؛ اما حکومت، مطلقه و بی‌نیاز از جامعه نیست و نیازمند پذیرش و گسترش رضایت‌مندی عمومی است. بنابراین، در این زمینه، دولت نه دست‌پرورده و ابزار جامعه است که از خود هیچ هویت مستقلی نداشته باشد و نه اینکه کاملاً مستقل از آن است. در

حقیقت، نوعی تعامل دوسویه بین آنها وجود دارد که بر اساس سازوکار حمایت- پاسخ‌گرایی از سوی جامعه و کارآمدبودن- مشروعیت‌یابی از سوی دولت است (Osiander, 2001: 88). منظور اصلی از این شاخص‌ها بیشتر مواردی است که مربوط به عملکردهای دولت و تکالیف آن نسبت به جامعه مربوط می‌شود. مهم‌ترین شاخص‌های تهدید دولت- جامعه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از:

۱.۱. جنگ نرم دشمن و تلاش برای تغییر باورهای مردم

جنگ نرم دشمن، یکی از نکات بسیار مهمی است که ممکن است بر مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی تأثیرگذار باشد. این در حالی است که به این مسئله خیلی کم توجه شده است. یکی از نکات درخور توجه در این رابطه این است که در حالی که قدرت سخت، مستقل از مؤلفه‌های محیطی تعریف می‌شود، قدرت نرم پدیده‌ای اجتماعی- فرهنگی و وابسته به مؤلفه‌های محیطی است. مهم‌تر اینکه قدرت سخت بر سرمایه‌های مادی اثرگذار است؛ ولی قدرت نرم ارزش‌ها و سرمایه‌های فرهنگی و دینی را نشانه می‌گیرد (افتخاری، ۱۳۸۷: ۲۹-۲۱). با توجه به اینکه مشروعیت و حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران عاملی ارزشی و دینی است. بنابراین، باید به جنگ نرم و عاملان آن توجه جدی شود؛ چراکه جنگ نرم، استفاده از قدرت نرم علیه نظام‌های سیاسی هدف، به تأثیر بر باورها و ارزش‌های بنیادین با هدف دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری متداول در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنهاست (نائینی، ۱۳۸۹: ۹۰).

در حقیقت، ارزشی‌بودن اقتدار جمهوری اسلامی ایران و ماهیت دینی و فرهنگی حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران نیازمند این است که ضمن دفع چالش‌ها و مخاطرات، به برنامه‌ریزی‌هایی برای پیشگیری از آسیب‌پذیری ماهیت ارزشی حاکمیت و مشروعیت در کشور بیندیشیم. توجه به چنین مسائلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مطرح شده است؛ به گونه‌ای که طبق بند ۱ تا ۳ اصل ۱۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس‌جمهور، برای انجام وظایف زیر تشکیل شده است: تعیین سیاست‌های دفاعی- امنیتی در محدوده سیاست‌های کلی تعیین‌شده از طرف مقام معظم رهبری، هماهنگ‌کردن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی- امنیتی و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

۲.۱. بالابودن نرخ فساد سیاسی- اداری

فساد سیاسی- اداری از حوزه‌های مهم فساد است. اگر فساد در سیستم سیاسی واداری کاملاً نفوذ کرده باشد، تصمیمات سیاسی- اداری تا حد زیادی با منویات شبکه‌های فساد همسو و هماهنگ

می‌شود (دلپورتا و ونوچی، ۱۳۸۱: ۲۴۱). اما در مراتب پایین‌تر فساد که حاکمیت، تصمیمات مستقل اتخاذ می‌کند، شبکه‌های فساد تهدیدی برای نفوذ قدرت و حاکمیت سیاسی محسوب می‌گردند. بنابراین، میزان فساد با میزان نفوذ حاکمیت رابطه معکوس دارد و هرچه فساد بیشتر باشد، میزان نفوذ حاکمیت کمتر و محدودتر خواهد بود. یکی از معضلات اقتصادی بسیار مهم در کشور ما که در سال‌های اخیر با شدت و به‌صورت متعدد خود را نشان داده است، گسترش فساد شامل فساد اداری، رشوه‌خواری، مفاسد اخلاقی، ایجاد شبکه‌های فساد و ضعف برنامه‌ریزی سامانمند و پایدار برای حل معضل فساد است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۳).

فقدان نظارت دقیق و کم‌توجهی به لزوم قانون‌گرایی از عوامل مهمی هستند که موجبات شیوع فساد را فراهم کرده‌اند. بنابراین، با اتخاذ موازین قانونی و نظارتی دقیق می‌توان تا اندازه بسیار زیادی از فساد و تسری آن در بخش‌های مختلف جامعه جلوگیری کرد. به عبارتی دیگر، می‌توان با اصلاح ساختار نظام اداری و اقتصادی، احیای اخلاق، خصوصی‌سازی، ایجاد نهادهای مستقل و دائمی برای مبارزه با فساد و آموزش مدیران دولتی در زمینه فساد و مبارزه با آن، از شیوع آن در کشور خودداری کرد (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۶۴).

۳.۱. کمبود توان سیاست‌سازی و کارپردازبودن حکومت

سیاست‌سازی فرایندی است که در آن مشکلات و نیازهای جامعه مفروض شناخته می‌شوند و با انتخاب کمترین هزینه، مناسب‌ترین راه‌حل برای رفع مشکلات و نیازها گزینش می‌شود. این شاخص به‌شدت بر شاخص‌های دیگر همچون مشروعیت و نفوذ تأثیر دارد (آزر و مون، ۱۳۸۸: ۱۳۵). یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم ناکارآمدی دولت در کشور ما، جانشین‌شدن «کارپردازی» به‌جای «برنامه‌داری» است. در حکومت کارپرداز، دولت‌ها به حل مشکل می‌پردازند، نه اجرای برنامه و چون عقلانیت مینا نیست، از کارآمدی خبری نیست. ضمن اینکه دولت در حوزه‌های غیر از حوزه امنیت، صرفاً کارپرداز موضعی است و نمی‌تواند در زمینه‌های با خطر زیاد یا پروژه‌های بزرگ و ملی حضور داشته باشد. حرکت جمهوری اسلامی ایران از «حکومت برنامه‌دار» به‌سوی «حکومت کارپرداز» یکی از مخاطرات اصلی کارآمدی آن است (لاریجانی، ۱۳۷۹: ۱۸۹).

۴.۱. اختلاف‌نظر و فقدان اجماع و به دنبال آن پراکندگی و سازمان‌نیافتگی مسائل و مشکلات

چنانچه مسائل و مشکلات جامعه، به‌صورت دائم پراکنده، گسترده و فراگیر مطرح شوند (خواه منشأ ایجاد این وضعیت، اقدامات عامدانه باشد یا غیرعمدی)، این امر بر کمبود یا فقدان سیاست‌سازی دلالت می‌کند؛ زیرا وجود درجات قابل قبولی از قدرت سیاست‌سازی به‌صورت مشخص و شفاف، تمرکز بر مسائل خاص و اولویت‌ها را نشان می‌دهد (استرن برگر، ۱۳۷۸: ۱۳۶). یکی از مشکلات بسیار مهمی که همواره میان نخبگان سیاسی کشور ما وجود داشته و توانسته است آثار نامناسبی بر حل

مسائل و مشکلات داشته باشد، فقدان اجماع نظر و همدلی میان نخبگان است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۲). اهمیت اجماع نخبگان به گونه‌ای مهم است که بسیاری از پژوهشگران کشور، مشکل اصلی کشور را در همین فقدان اجماع نظر می‌دانند و مقام معظم رهبری یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های کارآمدی دولت را انتخاب عناصر کاردان و وجود اجماع و وحدت نظر میان آن‌ها می‌داند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹: ۷).

۵.۱. بی‌توجهی و فاصله گرفتن از اهمیت قانون

یکی از مسائل مهمی که در قانون اساسی و اسناد بالادستی و به‌ویژه در گفتمان امام خمینی (ره) حائز اهمیت بوده است؛ لزوم توجه به قانون است. امام خمینی (ره)، حکومت اسلامی را حکومت قانون می‌داند و بنیاد و عمل به آن را سبب رفع اختلاف می‌شمرد. به عبارت دیگر، منشأ اختلاف در اندیشه امام قانون شکنی است (صحیفه امام، ج ۱۴: ۱۴۴). ایشان می‌فرمایند: «اگر می‌خواهید از صحنه بیرون‌تان نکنند، بپذیرید قانون را. نگویید قانون و خودتان خلاف قانون عمل کنید. اگر همه روی مرز قانون عمل کنند، اختلاف دیگر پیش نمی‌آید» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۳۷۸). بنابراین می‌توان منشأ اختلاف و فقدان اجماع نظر را که یکی از مشکلات مهم کشور است، بی‌توجهی و فاصله گرفتن از قانون قلمداد کرد.

۶.۱. مشکلات و نارسایی‌های ساختاری و حل نشدن یا مزمن شدن مسائل اساسی

چنانچه مسئله یا مسائلی در جامعه‌ای به صورت مستمر، ویژگی «مسئله بودن» خود را حفظ کنند و باور «مسئله بودن» آن‌ها به صورت امری فرهنگی و شایع درآید، این وضعیت بر ناتوانی حاکمیت در سیاست‌سازی دلالت می‌کند. هرچه تعداد این مسائل و اهمیت آن‌ها بیشتر باشد، باید حاکمیت و مؤلفه سیاسی قدرت را بیشتر در معرض تهدید و خطر دانست (گر، ۱۳۷۹: ۹). درواقع، این شاخصه با فرایند سیاست‌سازی در ارتباط است و ضعف در سیاست‌سازی مناسب سبب مزمن شدن مسائل اساسی در هر جامعه‌ای می‌شود. مهم‌ترین مشکلات و مسائل ساختاری در کشور ما عبارت‌اند از:

- گستردگی و پراکندگی واحدهای نظارتی از بعد ساختاری؛
- نبود هماهنگی میان سازمان‌های نظارتی در دسترسی به اهداف؛
- تصور وجود شکاف عمیق میان سازمان‌های نظارتی و دستگاه اجرایی؛
- نبود استانداردهای روشن در امر نظارت و کنترل؛
- نبود هماهنگی در سیاست‌گذاری مشترک (اخوان کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۳).

در کنار این مسائل می‌توان از شاخصه‌های دیگر مانند توسعه مجازات شدید و خشن، گسترش بی‌عدالتی اجتماعی، تأمین نشدن کالاهای عمومی از سوی دولت، نبود شفافیت، نبود شایسته‌سالاری، فاصله اقتصادی مسئولان با مردم و تلاش نکردن برای اقناع مردم نیز یاد کرد که در چارچوب‌های کلی

اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی قابل تحلیل و بررسی است. در بحث اختصاصی در مورد امنیت ملی ایران باید ذکر کرد که جمهوری اسلامی ایران از منظر کارآمدی دولت، به‌خصوص در مورد کار ویژه‌های فرهنگی دچار کاهش‌گرایی بی‌هویتی است. این امر ممکن است سبب کاهش انسجام ملی جامعه شود. گفتنی است که تهدیدهای ناشی از ناکارآمدی دولت در عرصه‌های اقتصادی و امنیتی را می‌توان با برنامه‌ریزی در کوتاه‌مدت و به‌وسیله ابزارهای قدرت سخت به‌صورت مقطعی برطرف کرد؛ اما تهدیدهای امنیتی ناشی از ناکارآمدی بعد فرهنگی، مواردی دشوارتر همراه با کاربرد شیوه‌های نرم مدیریت فرهنگی را به دنبال دارد.

۲. شاخص‌های تهدید جامعه - دولت امنیت ملی

بر اساس مدل نظری این پژوهش، دولت در عین تأثیرپذیری از جامعه، دارای جایگاهی نسبتاً مستقل و نه کاملاً مستقل از جامعه است. به همین دلیل، جامعه دارای توان تأثیرگذاری بر تعیین نوع حکومت، پذیرش یا رد حکومت از طریق سازوکارهای دموکراتیک و غیردموکراتیک است. به تعبیر علمی، جامعه درون‌داده‌های^۱ نظام سیاسی را از طریق داده‌ها و پشتیبانی‌ها ارائه می‌دهد. اگر جامعه نتواند خواسته‌های خود را از طریق نظام سیاسی محقق شده ببیند، از طریق فرایند بازخورد^۲ به تغییر پشتیبانی‌ها و داده‌های خود اقدام خواهد کرد. فرایند تغییر خواسته‌های جامعه از دولت، زمانی از طریق سازوکارهای تأثیرگذاری جامعه - دولت بعد امنیتی پیدا می‌کند که سازوکارهای دموکراتیک مانند مشارکت سیاسی و... کاهش یابد و سازوکارهای غیردموکراتیک تأثیرگذاری افزایش یابد. به این ترتیب، نقش دولت در کنترل تغییر گرایش جامعه از ابزارهای دموکراتیک به ابزارهای غیردموکراتیک از طریق بازتعریف و اصلاح اقدامات خود بسیار برجسته است. دولت قوی که فاقد تهدیدهای امنیتی است، دولتی است که از طریق ابزارهای خود از افت جذابیت و مطلوبیت سازوکارهای دموکراتیک در جامعه جلوگیری می‌کند. در اینجا می‌توان در تأیید فرضیه مقاله گفت که ناکارآمدی دولت در عملکرد خود، سبب کاهش جذابیت ابزارهای دموکراتیک و روی آوردن بخشی از جامعه به ابزارهای غیردموکراتیک می‌شود. بدین ترتیب، می‌توان مهم‌ترین شاخص‌های تهدیدهای امنیت ملی از منظر روند تأثیرگذاری جامعه - دولت را در موارد زیر جست‌وجو کرد:

۱.۲. نبود نظارت نهادهای مردمی بر دولت

مشروعیت به معنای توجیه‌پذیری اطاعت از قدرت حاکم و قانون، یکی از لوازم ضروری حاکمیت است که می‌توان از طریق آن، سطح و وضع حاکمیت را بررسی کرد. به عبارت دیگر، شدت و ضعف

مشروعیت با شدت و ضعف حاکمیت رابطه مستقیمی دارد (استرن برگر، ۱۳۷۸: ۲۹۹). البته مسئله مشروعیت معنای وسیعی دارد و از مبانی مشروعیت تا کارآمدی امتداد می‌یابد. بنابراین، کاهش مشروعیت گاه ناشی از کاهش توان توجیهی مبناى مشروعیت سیستم است و گاه به دلیل ناکارآمدی آن سیستم است و ناکارآمدی یک دولت موجبات کاهش مشروعیت آن را فراهم می‌کند (استرن برگر، ۱۳۷۸: ۳۰۲). یکی از راه‌های بسیار مهم تقویت مشروعیت و رضایت مردم این است که همواره مردم خود را در مسائل نظارتی حکومت شریک بدانند. به عبارتی دیگر، مردم از طریق نهادهای مدنی که به‌عنوان واسطه مردم و دولت تلقی می‌شوند و وظیفه دارند خواسته‌ها و تقاضاهای مردمی را به دولت منتقل دهند و عامل تبدیل تقاضاهای مردمی به سیاست‌ها باشند، بتوانند بر سیاست‌های دولت نظارت داشته باشند. اما متأسفانه یکی از ضعف‌های بسیار مهم در کشور ما، نبود نهادهای واسطه‌ای یا نهادهای مدنی از جمله احزاب است که باعث می‌شود مردم نتوانند هیچ‌گونه نظارتی بر عملکرد کارگزاران داشته باشند و نتوانند تقاضاهای خود را به سیاست تبدیل کنند. سازمان‌ها و نهادهای مردم‌نهاد تحت شرایط اجتماعی خاصی پدید می‌آیند؛ طبعاً باید جامعه مدنی به میزانی از پیشرفت و پیچیدگی رسیده باشد تا ضرورت پیدایش این سازمان‌ها به‌عنوان نماینده منافع و علایق گوناگون پیش بیاید. به‌علاوه، بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از جمعیت باید از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آمادگی مشارکت در حیات سیاسی را به دست آورده باشند (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

در کشور ما عواملی همچون فقر فزاینده، تشکیلات ناکارآمد و گسترده دولت (به‌ویژه بخش تجارت دولتی یا سایر بخش‌های وابسته به دولت)، شخصی‌شدن قوانین انتخاباتی و سیستم رأی‌گیری، نبود شایسته‌سالاری و سرانجام حرکت‌هایی که بر تأمین حقوق خاصی (مانند زبان یا دین) تأکید می‌کنند، به شکل‌گیری نهادها، سازمان‌ها و احزاب حامی‌پرور که نمی‌توانند نسبت به حمایت و انتخاب خود توسط شهروندان مطمئن باشند، کمک شایان توجهی می‌کنند (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

۲.۲. تحقق نیافتن اهداف اعلام‌شده

برنامه‌ریزی، تخصیص بهینه منابع و دسترسی به اهداف، جزئی از فلسفه وجودی حکومت‌ها است. بنابراین، اگر حکومت و دولتی نتواند به اهداف خود دست یابد، فلسفه وجودی و به‌تبع آن مشروعیت خود را از دست می‌دهد (کامل السعید، ۱۳۸۱: ۱۰۳). این نشانه به‌ویژه در رژیم‌های دموکراتیک مانند جمهوری اسلامی ایران که نظارت و نگرش‌های مردم در بقای آن تأثیر اصلی را دارد، مهم‌تر است. بدین ترتیب، با توجه به انتظاراتی که مردم از رژیم‌های دموکراتیکی همانند جمهوری اسلامی ایران دارند، ناتوانی این رژیم‌ها در تحقق اهدافی که بیان کرده‌اند، سبب حساس شدن مردم در این جوامع می‌گردد. به بیانی دیگر، با توجه به انتظارات فزاینده مردم از دولت‌های مردم‌سالار و دموکراتیک، ناتوانی آن‌ها در محقق‌ساختن ایده‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، نارضایتی مردم را به دنبال دارد.

۳.۲. عدم تغییر یا کاهش شاخص‌های بهبود زندگی

یکی از نکات مهم در زمینه کشور ما این است که علاوه بر آنکه الگوی مصرف کل جامعه خصوصاً از دهه دوم انقلاب به شدت بالا رفته و سطوح توقعات اقتصادی و اجتماعی و رفاهی افزایش یافته است، برآورده شدن و تأمین انتظارات به‌ویژه از لحاظ بهبود شاخص‌های زندگی چندان با انتظارات مردم همسو و هماهنگ نبوده است (مرندی، ۱۳۸۳: ۱۴). البته این مشکل در ذیل مشکل بسیار بزرگ اقتصادی قرار دارد که در حقیقت اتکای بیش‌ازحد اقتصاد ایران بر نفت (اقتصاد تک‌محصولی) سبب بی‌توجهی به سایر منابع مهم از جمله کشاورزی شده است. این اتکا به نفت در بسیاری از موارد نه تنها فرصت، بلکه تهدیدی اقتصادی برای نظام است؛ به‌ویژه در سطح بین‌الملل، قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا، همواره از نفت به‌عنوان اهرم فشار علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده‌اند (حشمت‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۷). با توجه به انتظارات فزاینده اقتصادی و اجتماعی در میان مردم ایران تغییر نکردن یا کاهش شاخص‌های بهبود زندگی ممکن است سبب نارضایتی مردم شود و علت این شرایط را در ضعف در کارآمدی جست‌وجو کنند.

۴.۲. کاهش یا فقدان مشارکت در همه عرصه‌های حکومتی

منظور از مشارکت، پذیرش دخالت داوطلبانه اشخاص یا گروه‌های سیاسی، اقتصادی و... در حاکمیت و زمینه‌های مختلف قدرت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از سوی حاکمیت است. بنابراین، میزان مشارکت با میزان چنین پذیرش و دخالتی شناسایی می‌شود (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۴۷). در نظام‌های مردم‌سالار، مشارکت به‌طور طبیعی با مشروعیت ارتباط دارد. البته مشارکت باید با ظرفیت پاسخ‌گویی تناسب داشته باشد؛ در غیر این صورت، مشارکت فراوان، بدون وجود ظرفیت‌های جذب و پاسخ‌گویی، به بحران سیاسی منجر خواهد شد. در فرضی طبیعی که در آن ظرفیت کافی برای مشارکت وجود دارد، فقدان یا کاهش مشارکت سبب کاهش و ضعف حاکمیت می‌شود. یکی از مشکلاتی که در زمینه بحث مشارکت در کشور ما وجود دارد، محدود ساختن امر مشارکت به رأی‌دادن و سیاسی‌بودن مشارکت است. این در حالی است که مشارکت جنبه‌های گوناگون دارد و باید زمینه‌های لازم برای مشارکت و حضور مردم به‌ویژه در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی دولت نیز فراهم شود.

بنابراین، تفسیر و دید تنگ‌نظرانه درباره حضور و مشارکت مردم باید از بین رود و با فراهم کردن امکانات و عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی، لزوم حضور مردم در میدان‌های فرهنگی و اقتصادی فراهم شود. اهمیت مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران و حضور فعال آن‌ها در عرصه‌های مختلف به‌گونه‌ای است که امام(ره) فرمودند: «من از شما خواستارم که به دولت کمک کنید و در همه صحنه‌ها حضور داشته باشید. منتظر نباشید که دولت همه کار را بکند. دولت نمی‌تواند همه کارها را انجام بدهد، شما باید پشتیبانی کنید» (صحیفه امام، ج ۶: ۵۲۹).

۵.۲. چالش‌های مربوط به هویت ملی در کشور

مباحث مربوط به هویت ملی و ارکان آن به‌ویژه دین و قومیت از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و بررسی این موضوعات پیش از آنکه بررسی موضوعی علمی باشد، بررسی راهبردها و سیاست‌هاست. نکته درخور توجه این است که قراردادن مشروعیت دولت بر اساس یکی از اجزای تشکیل‌دهنده هویت ملی ایرانی به‌جای تأکید بر کلیت آن، ویژگی فراگیر دولت ایران را مخدوش می‌سازد و به تضعیف پایه‌های وحدت و هویت ملی منجر می‌شود (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۷۹). این مسئله به‌ویژه در زمینه مذهب اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. نکته مهم دیگر این است که ما باید بتوانیم ذهنیت مشترک ایران و تاریخ ایرانی را با ارزش‌های مذهبی جمع کنیم؛ چراکه با حذف هیچ‌یک نمی‌توان دیگری را تعریف کرد. در حقیقت، نادیده گرفتن ملیت و تأکید ناموزون بر مذهب ممکن است به تضعیف تدریجی جایگاه دین در جامعه و آسیب‌پذیری آن در برابر عناصر هویتی غیرایرانی منجر شود. مطالب بیان‌شده به این معناست که باید به کلیت هویت ملی ایرانی توجه کنیم و از تأکید صرف بر یکی از مؤلفه‌های هویت ملی و بی‌توجهی به سایر مؤلفه‌ها و ارکان هویت ملی خودداری کنیم.

۶.۲. نارضایتی از دولت به دلیل نحوه توزیع مدیران به لحاظ تخصص و برنامه‌ریزی درست برای استفاده از مدیران کارآمد بومی

یکی از مشخصه‌های مهم احساس رضایت از سیستم سیاسی این است که افراد سیستم را برابند اراده خود بدانند. یکی از عوامل تأثیرگذار در این امر، استفاده از همه پتانسیل‌های مدیریتی، اقتصادی و اجتماعی محلی است (ماندل، ۱۳۸۷: ۱۴۹). در بخش‌هایی که گستره اجتماعی به مدیران غیربومی سپرده و مدیران بومی طرد گردند، افراد، سیستم سیاسی و حتی اداری را برابند اراده خود نمی‌دانند. در نتیجه، گسستی میان بخش‌های دولتی و شهروندان آن منطقه رخ خواهد داد که سبب همراهی نکردن با سیاست‌های دولت و گاهی مانع‌تراشی‌های محلی یا شورش می‌گردد که خود از عوامل تهدیدکننده امنیت ملی است. دو مسئله بسیار مهمی که در کشور ما وجود دارد و منشأ بسیاری از مشکلات نیز است، عبارت‌اند از: ۱. بسیاری از مشاغل و منصب‌ها هیچ‌گونه تناسبی با تخصص و زمینه علمی فرد ندارد؛ ۲. نداشتن برنامه‌ریزی مناسب برای استفاده از نیروهای کارآمد بومی. این مسائل بی‌قانونی و گسترش فساد در کشور را به همراه دارد.

۷.۲. کاهش نیافتن یا رشد نکردن سهم دولت در مقابل اشخاص و گروه‌های غیردولتی

این نشانه در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور ما قابل طرح است. همان‌طور که در مبحث مشارکت نیز گفته شد، بزرگی نقش و سهم دولت در جمهوری اسلامی ایران و فراهم‌کردن زمینه و به عبارتی دیگر، اهمیت قائل نشدن به حضور اقتصادی و فرهنگی

مردم، سبب شکل‌گیری ساختاری نامتوازن از حضور و فعالیت دولت و جامعه شده است؛ به‌گونه‌ای که سهم دولت در تقابل با اشخاص و گروه‌ها فراتر از حد معمول شده است. افزایش سهم دخالت دولت، سازمان‌ها و شرکت‌های دولت در قدرت، به معنای عدم پذیرش دخالت دیگران در حاکمیت و قدرت است و این به معنای ضعف یا عدم مشارکت است (لانتیس، ۱۳۸۳: ۹۷). بنابراین باید به این نشانه‌ها توجه کرد؛ زیرا ممکن است به‌صورت مستقیم تأثیر خود را نشان ندهند؛ اما معمولاً تأثیر کند و تدریجی آن‌ها عمیق‌تر و مؤثرتر از برخی علائم فوری است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد در پاسخ به سؤال مؤلفه‌های تهدید امنیت ملی، در تحلیلی تئوریک، ضمن ارائه چارچوب نظری متناسب با بحث کارآمدی و ارتباط آن با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و با تأکید بر جایگاه مهم دولت در جوامع، به‌خصوص در جوامع رانتهی که همراه با قدرت سازمانی دولت است، به درک عمیق‌تری از امنیت ملی و شاخص‌های تهدید آن دست یابیم. ایده محوری ما این بود که ناکارآمدی دولت سبب گسترش تهدیدهای امنیتی شده است. بر این اساس، نکته محوری مورد اهتمام مقاله این بود که بتواند از بعد نظری تأثیر شاخصه‌های تهدیدآمیز بر امنیت ملی را بررسی کند و با توجه به مبحث جامعه‌شناسی تاریخی نوبری ما شاهد ارتباط و تلفیق دو مورد مهم هستیم؛ یکی روند گسترش دموکراتیزاسیون که بر ایفای نقش هرچه بیشتر «جامعه» و کاهش نقش سنتی دولت تأکید دارد و دیگری مقوله ایفای نقش «دولت» به‌صورت واقعیت غیرقابل چشم‌پوشی در عرصه سیاسی است. در این مقاله سعی شد تا با بهره‌گیری از چارچوب نظری «جامعه‌شناسی تاریخی نوبری»، این دوگانگی حل شود که از سویی، به‌رغم افزایش جایگاه و قدرت تأثیرگذار جامعه، دولت ابزار منفعل و بی‌اختیار نیست و از سوی دیگر دولت کاملاً مستقل از جامعه نیز نیست. در تحلیل این نظریه، دولت در عین تأثیرگذاری از جامعه، نسبتاً مستقل از جامعه است که می‌تواند بر جامعه تأثیر بگذارد و جامعه نیز در عین تأثیرپذیری از دولت، نسبتاً مستقل از دولت است که می‌تواند بر دولت تأثیر بگذارد.

از این‌رو، مقوله امنیت ملی از تعاملات این دو متأثر است؛ هرچند منحصر به این دو نیست. همچنین به بعد تعاملاتی دولت و جامعه از لحاظ امنیت توجه کردیم و شاخص‌های تهدید امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران در دو بعد دولت-جامعه و جامعه-دولت تجزیه و تحلیل کردیم. در واقع، شاخص‌های تهدیدی مطرح‌شده، از شاخص‌های مهم‌اند که در کشورهای مختلف عاملی برای تهدید امنیت ملی بوده و خواهند بود. بنابراین، ذکر این عوامل و مؤلفه‌ها در زمینه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند چارچوبی باشد تا ضمن توجه و رفع مشکلات مربوط به شاخصه‌های گفته‌شده چهره امنیت ملی و رفاه عمومی را پررنگ‌تر مشاهده کرد. از طرفی دیگر، می‌توان با برنامه‌ریزی و توجه گسترده‌تر نسبت به عوامل گفته‌شده از بروز این عوامل جلوگیری کرد؛ چراکه توجه هرچه بیشتر

به مسئله امنیت ملی و برنامه‌ریزی دقیق‌تر در زمینه آن می‌تواند تأثیر بسیار مفیدی درباره انسجام و یکپارچگی ملی، رشد و توسعه اقتصادی و تحکیم و تقویت مشروعیت و حاکمیت کشور داشته باشد. دلیل این امر، تأثیر بسیار مهمی است که وجود یا نبود امنیت ملی بر زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشوری دارد.

منابع

الف) فارسی

نهج البلاغه

۱. آزر، ادوارد و چونگ این مون، (۱۳۸۸)، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. آقابخشی، علی، (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: انتشارات چاپار.
۳. احمدی، حمید، (۱۳۷۸)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۴. اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۴)، «چالش و چاره: گفتاری پیرامون جمهوری اسلامی و چالش کارآمدی»، فصلنامه معارف اسلامی قم، شماره ۶۱، ص ۴۳-۱۹.
۵. استرن برگر، دولف، (۱۳۷۸)، مشروعیت، در گزیده مقالات سیاسی-امنیتی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. افتخاری، اصغر، (۱۳۸۷)، دو چهره قدرت نرم؛ قدرت نرم: معنا و مفهوم، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق و پژوهشکده مطالعات بسیج.
۷. بشیریه، حسین، (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی سیاسی؛ نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، چاپ یازدهم، تهران: نشر نی.
۸. پای، لوسین و دیگران، (۱۳۸۰)، بحران و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. تاجیک، محمدرضا، (۱۳۸۰)، مدخلی بر مفاهیم و دکترین‌های امنیت ملی، تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
۱۰. حبیبی، نادر، (۱۳۷۵)، فساد اداری، عوامل مؤثر و روش‌های مبارزه با فساد، تهران: موسسه فرهنگی انتشارات وثقی.
۱۱. حشمت زاده، محمداقبر، (۱۳۷۹)، آثار و نتایج انقلاب اسلامی ایران، تهران: موسسه فرهنگ دانش و اندیشه معاصر.
۱۲. خمینی، روح‌الله، (۱۳۵۸)، صحیفه امام، جلد ششم.
۱۳. خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۰)، صحیفه امام، جلد چهاردهم.
۱۴. خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۵)، شؤون و اختیارات ولی فقیه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۸)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۶. دلاپورتا، دوناتلا و آلبرتو ونوچی، (۱۳۸۱)، اثرات ناهنجار فساد سیاسی، ترجمه محمد طاهری و میر قاسم بنی‌هاشمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۷. ربیعی، علی، (۱۳۸۳)، *مطالعات امنیت ملی، مقدمه‌ای بر نظریات امنیت ملی در جهان سوم*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۸. شاکرین، محمد، (۱۳۸۲)، «مشروعیت چیست»، *نشریه پرسمان*، شماره ۷، ص ۷۰-۹۳.
۱۹. صدرا، علیرضا، (۱۳۸۸)، «بررسی کارآمدی حکومت از دیدگاه امام خمینی»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸، ص ۱۱۵-۱۳۳.
۲۰. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۹۰)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی.
۲۱. قوام، عبدالعلی، (۱۳۷۰)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل*، چاپ اول، تهران: سمت.
۲۲. کامل السعید، مصطفی، (۱۳۸۱)، *ترجمه قدیر نصری، «مشروعیت و امنیت در کشورهای عربی»*، تابستان ۱۳۸۱، تهران، *مجله مطالعات راهبردی*، شماره ۱۶، ص ۹۰-۱۲۵.
۲۳. گر، تد رابرت، (۱۳۷۹)، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۴. لاریجانی، محمدجواد، (۱۳۷۲)، *نقد دین داری و مدرنیسم*، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۵. لاریجانی، محمد جواد، (۱۳۷۹)، *حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی*، تهران: سروش.
۲۶. لانتیس، جفری، (۱۳۸۳)، *فرهنگ استراتژیک و سیاست امنیت ملی*، ترجمه عبدالله قنبرلو، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۷. ماندل، رابرت، (۱۳۸۷)، *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۸. مرنیدی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، *درآمدی بر کارنامه نظام جمهوری اسلامی*، تهران: ماهنامه ناظر امین.
۲۹. نائینی، علی محمد، (۱۳۸۹)، «بررسی تطبیقی سه گانه تهدید سخت، نیمه سخت و نرم»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۳۰، ص ۸۰-۱۰۳.
۳۰. وبر، ماکس، (۱۳۷۴)، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری و عمادزاده، تهران: انتشارات مولی.

ب) انگلیسی

31. Bartelson, Jens, (2003), «Three Concept of Globalization» *International Sociology*, pp:180-196.
32. Deudney, Paniel, (1995), *Politics fission: State Structure, Civil Society and Nuclear Security Politics in The United State*, Columbia University press.
32. Hay, Colin, (1996), *Re_Sting Social and Political Change*, Columbia University press.
34. John A. Hall and G John Ikenberry, (1989), *The State*, Columbia University press.
35. Lester R. Brown, (1977), *Redefining National Security*, Columbia University press.
36. Osionder, Andreas, (2001), «Sovereignty, International, Relation, and The Westphalian Myth», *International Sociology*, pp:75-94.
37. Paleri, prabbakaran, (2008), *National security: Imperative and Challenge*, New Peli: MCGraw-Hill.

پ) روزنامه‌ها

۳۸. خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۷۹)، *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان، اطلاعات*، آذر ۷۹، شماره ۲۲۰۷۷.